

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ



دانشگاه اصفهان
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه علوم اجتماعی

پایان نامه ی دکتری رشته جامعه شناسی

**بررسی تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی درون‌گروهی و برون‌گروهی بر توسعه‌ی
اقتصادی در ایران**

استادان راهنما:

دکتر وحید قاسمی

دکتر مهدی ادیبی سده

استاد مشاور:

دکتر کریم آذربایجانی

پژوهشگر:

خالد توکلی

مهر ماه ۱۳۸۹

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات
و نوآوری‌های ناشی از تحقیق موضوع این پایان‌نامه
متعلق به دانشگاه اصفهان است.



دانشگاه اصفهان
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه: علوم اجتماعی

پایان نامه ی دکتری جامعه شناسی آقای خالد توکلی

تحت عنوان:

بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی درون گروهی و بیرون گروهی بر توسعه اقتصادی در ایران

در تاریخ ۲۴ / ۶ / ۸۹ توسط هیات داوران زیر بررسی و با درجه عالی به تصویب نهایی رسید.

امضاء	با مرتبه علمی استادیار	دکتر وحید قاسمی	۱-استاد راهنما ی اول پایان نامه
امضاء	با مرتبه علمی استادیار	دکتر مهدی ادیبی	۲-استاد راهنما ی پایان نامه
امضاء	با مرتبه علمی دانشیار	دکتر کریم آذ، بایجان	۳-استاد مشاور پایان نامه
امضاء	با مرتبه علمی دانشیار	دکتر رسول ربانی	۴-استاد داور داخل گروه
امضاء	با مرتبه علمی استادیار	دکتر روزیتا موید فر	۵-استاد داور داخل گروه
امضاء	با مرتبه علمی دانشیار	دکتر غلامرضا غفاری	۶-استاد داور خارج از گروه
امضاء	با مرتبه علمی دانشیار	دکتر محسن نیازی	۷-استاد داور خارج از گروه
امضاء مدیر گروه			
دکتر علی ربانی			

چکیده

سرمایه‌ی اجتماعی عبارت است از هنجارها، ارزشها و شبکه‌های روابط متقابل اجتماعی که همکاری و دستیابی به هدف مشترک را برای افراد جامعه تسهیل می‌کند. در سال‌های گذشته بحث و پژوهش در مورد سرمایه‌ی اجتماعی و رابطه‌ی آن با پدیده‌هایی چون توسعه، دموکراسی، سلامت، انحرافات اجتماعی و ... روند رو به افزایشی داشته است. توسعه‌ی اقتصادی نیز یکی از مهم‌ترین مفاهیمی است که در علوم مختلف اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است. با توجه به این که سرمایه‌ی اجتماعی از یک سو و توسعه‌ی اقتصادی از سوی دیگر انواع و کارکردهای گوناگونی دارد در این پژوهش تأثیر سرمایه‌ی درون‌گروهی و برون‌گروهی بر دو سازه‌ی نسل اول و دوم توسعه‌ی اقتصادی مورد بررسی قرار گرفته است.

روش تحقیق در این پایان‌نامه مبتنی بر تحلیل ثانویه است و با استفاده از داده‌های موجود در آمارنامه‌های رسمی تحقیقات پیشین و بهره‌گیری از نرم‌افزار آماری AMOS برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، سازه‌های مناسب برای متغیرهای مستقل و وابسته تعریف و تأثیر انواع سرمایه‌ی اجتماعی بر انواع توسعه‌ی اقتصادی بررسی گردید. علیرغم خوش‌بینی اولیه نسبت به تأثیر مثبت سرمایه‌ی اجتماعی بر توسعه‌ی اقتصادی، نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که سرمایه‌ی اجتماعی در ایران دچار کاهش و فرسایش شده و تأثیر آن بر توسعه‌ی اقتصادی منفی است. همچنین نتایج به دست آمده از تأثیر منفی سرمایه‌ی اجتماعی درون‌گروهی و برون‌گروهی بر توسعه‌ی اقتصادی نسل اول و دوم حکایت دارد.

کلید واژه‌ها: سرمایه‌ی اجتماعی، سرمایه‌ی اجتماعی درون‌گروهی، سرمایه‌ی اجتماعی برون‌گروهی، توسعه، توسعه‌ی اقتصادی.

فهرست مطالب

عنوان

صفحه

فصل اول

۱-۱- مقدمه.....	۱
۲-۱- بیان مسئله.....	۴
۳-۱- اهمیت موضوع.....	۶
۴-۱- اهداف تحقیق.....	۷
۵-۱- فرضیه‌ها (در صورت لزوم) یا سوال‌های تحقیق.....	۷
۶-۱- تعریف مفاهیم.....	۸
۱-۶-۱- توسعه‌ی اقتصادی (تعاریف و نظریات).....	۸
۱-۶-۱-۱- مایکل تودارو.....	۹
۱-۶-۱-۲- والت روستو (مراحل رشد اقتصادی).....	۱۱
۱-۶-۱-۳- جرالدمیر (نسل اول و دوم اقتصاددانان توسعه).....	۱۴
۱-۶-۱-۴- حسین عظیمی (توسعه و تمدن).....	۱۵
۱-۶-۱-۵- آمارتیا سن (آزادی و توسعه).....	۱۸
۱-۶-۱-۶- هاف و استیگلیتز (نظریه اقتصادی مدرن و توسعه).....	۲۲
۱-۶-۲- سرمایه‌ی اجتماعی.....	۲۴
۱-۶-۲-۱- پی‌یر بوردیو (عبور از سرمایه‌ی اقتصادی).....	۲۵
۱-۶-۲-۲- جیمز کلمن (از سرمایه‌ی انسانی به سرمایه‌ی اجتماعی).....	۳۲
۱-۶-۲-۳- رابرت پاتنام (انتقال بحث در مورد سرمایه‌ی اجتماعی به حوزه‌ی عمومی).....	۴۲
۱-۶-۲-۴- یو آن چو.....	۵۶
۱-۷- مروری بر تحقیقات پیشین.....	۵۷

فصل دوم: چارچوب نظری

۱-۲- چارچوب نظری.....	۷۱
۲-۲- فرهنگ و توسعه‌ی اقتصادی.....	۷۱
۳-۲- سرمایه‌ی اجتماعی و توسعه‌ی اقتصادی.....	۸۵
۳-۲-۱- تأثیرات مثبت سرمایه‌ی اجتماعی بر توسعه‌ی اقتصادی.....	۹۲

۲-۳-۲- تأثیرات منفی سرمایه‌ی اجتماعی بر توسعه‌ی اقتصادی ۱۰۰

عنوان

صفحه

۳-۳-۲- نتایج منفی سرمایه‌ی اجتماعی برون‌گروھی ۱۱۲

۴-۲- نتیجه‌گیری ۱۱۳

فصل سوم: روش‌شناسی

۱-۳-۱- مدل‌های اندازه‌گیری سازه‌ها ۱۱۶

۲-۳-۲- سنجش سرمایه‌ی اجتماعی ۱۱۶

۳-۳-۳- سنجش توسعه‌ی اقتصادی ۱۴۱

۱-۳-۳- سازه‌ی توسعه‌ی اقتصادی نسل اول ۱۴۵

فصل چهارم: سنجش فرضیات

۱-۴-۱- فرضیه ۲ ۱۵۳

۱-۴-۱- الف) احتمالاً سرمایه‌ی اجتماعی درون‌گروھی بر توسعه‌ی اقتصادی (نسل اول) در ایران،

تأثیر منفی دارد ۱۵۳

۱-۴-۱-۱- تبیین نظری فرضیه ۱۵۳

۱-۴-۱-۲- داده‌ها ۱۵۵

۱-۴-۱-۳- مدل رگرسیونی ۱۵۶

۱-۴-۱-۴- مدل معادله‌ی ساختاری ۱۵۸

۱-۴-۲- ب) احتمالاً سرمایه‌ی اجتماعی درون‌گروھی بر توسعه‌ی اقتصادی نسل (دوم) در ایران، تأثیر

منفی دارد ۱۶۰

۱-۴-۲-۱- تبیین نظری فرضیه ۱۶۰

۱-۴-۲-۲- داده‌ها ۱۶۱

۱-۴-۲-۳- مدل رگرسیونی: ۱۶۲

۱-۴-۲-۴- مدل معادله‌ی ساختاری ۱۶۴

۳-۱-۴- تحلیل نتایج ۱۶۶

۲-۴-۲- فرضیه ۲ ۱۶۸

۱-۴-۲- الف) احتمالاً سرمایه‌ی اجتماعی برون‌گروھی بر توسعه‌ی اقتصادی (نسل اول) در ایران،

تأثیر مثبت دارد ۱۶۸

۱۶۸ ۱-۱-۲-۴- تبیین نظری فرضیه

۱۷۰ ۲-۱-۲-۴- مدل رگرسیونی

عنوان

صفحه

۱۷۴ ۲-۲-۴- ب) احتمالاً سرمایه‌ی اجتماعی برون‌گروهی بر توسعه‌ی اقتصادی (نسل دوم) در ایران،

تأثیر مثبت دارد. ۱۷۴

۱۷۴ ۱-۲-۲-۴- مدل رگرسیونی

۱۷۶ ۲-۲-۲-۴- مدل معادله‌ی ساختاری

۱۷۹ ۳-۲-۴- تحلیل نتایج

فصل پنجم: نتیجه‌گیری

۱۸۳ ۱-۵- افول سرمایه اجتماعی: آیا باید در جستجوی حلقه‌ی مفقوده‌ای دیگر باشیم؟

۱۸۳ ۱-۱-۵- در جست‌وجوی حلقه‌ی مفقوده

۱۸۴ ۲-۱-۵- امیدواری به سرمایه‌ی اجتماعی

۱۸۴ ۲-۵- افول خوش‌بینی نسبت به سرمایه‌ی اجتماعی

۱۸۸ منابع و مآخذ

فهرست شکل‌ها

عنوان

صفحه

- شکل ۱-۱ نمودار شکوفایی یک اندیشه و یک تمدن و نهادهای متناسب با آن (عظیمی: ۳۷)..... ۱۶
- شکل ۱-۲ نمودار زوال یک اندیشه و یک تمدن و نهادهای متناسب با آن (عظیمی: ۳۷)..... ۱۷
- شکل ۱-۳ شبکه‌ی بدون بستگی (الف) و شبکه‌ی با بستگی (ب)..... ۳۹
- شکل ۱-۴ شبکه‌ی والدین (A/D) و فرزندان (B/C) بدون بستگی (الف) و با بستگی (ب)..... ۳۹
- شکل ۱-۵ ساختار سه نفری: سرمایه‌ی انسانی در تقاطع و سرمایه‌ی اجتماعی در روابط..... ۴۱
- شکل ۱-۲ الگوی جامعه سنتی از نظر دیویس..... ۷۹
- شکل ۲-۲ مدل توسعه: فرهنگ به مثابه پیش نیاز توسعه..... ۸۱
- شکل ۲-۳ نمودار رابطه‌ی میان سرمایه‌ی مادی و توسعه‌ی اقتصادی (ستاری فر: ۱۶۶)..... ۸۵
- شکل ۲-۴ ساختار سه نفری: سرمایه‌ی انسانی در تقاطع و سرمایه‌ی اجتماعی در روابط..... ۹۵
- شکل ۲-۵ اثر غیر مستقیم سرمایه‌ی اجتماعی بر رشد اقتصادی..... ۹۷
- شکل ۲-۶ اثر مستقیم سرمایه‌ی اجتماعی بر رشد اقتصادی..... ۱۰۰
- شکل ۲-۷ رابطه‌ی گروهها بر اساس سرمایه‌ی اجتماعی درون‌گروهی..... ۱۰۹
- شکل ۲-۸ نتایج منفی سرمایه‌ی اجتماعی درون‌گروهی..... ۱۱۰
- شکل ۲-۹ روابط گروهها بر اساس سرمایه‌ی اجتماعی برون‌گروهی..... ۱۱۱
- شکل ۲-۱۰ تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی برون‌گروهی بر توسعه‌ی اقتصادی..... ۱۱۱
- شکل ۳-۱ نمودار مدل اولیه‌ی تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی برون‌گروهی بر توسعه..... ۱۲۹
- شکل ۳-۲ نمودار مدل اندازه‌گیری سازه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی برون‌گروهی..... ۱۳۰
- شکل ۳-۳ نمودار مدل اولیه‌ی تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی درون‌گروهی بر توسعه..... ۱۳۷
- شکل ۳-۴ نمودار مدل اندازه‌گیری سازه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی درون‌گروهی..... ۱۳۷
- شکل ۳-۵ نمودار مدل اندازه‌گیری سازه‌ی توسعه‌ی اقتصادی نسل اول نظریه‌پردازان اقتصاد توسعه..... ۱۴۶
- شکل ۳-۶ نمودار مدل اولیه‌ی سازه‌ی توسعه‌ی اقتصادی نسل دوم..... ۱۴۹
- شکل ۳-۷ نمودار مدل اندازه‌گیری سازه‌ی توسعه‌ی اقتصادی نسل دوم نظریه‌پردازان اقتصاد توسعه..... ۱۵۰
- شکل ۴-۱ مدل ریگرسیون برای سنجش و آزمون معنی‌داری فرضیه ۱-الف..... ۱۵۷
- شکل ۴-۲ نمودار بررسی تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی درون‌گروهی بر توسعه‌ی اقتصادی - نسل اول..... ۱۵۸
- شکل ۴-۳ مدل ریگرسیون برای سنجش و آزمون معنی‌داری فرضیه ۱-ب..... ۱۶۳
- شکل ۴-۴ نمودار بررسی تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی درون‌گروهی بر توسعه‌ی اقتصادی - نسل دوم..... ۱۶۴

شکل ۴-۵ مدل ریگرسیون برای سنجش و آزمون معنی‌داری فرضیه ۲-الف. ۱۷۱

عنوان

صفحه

شکل ۴-۶ نمودار بررسی تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی برون‌گروهی بر توسعه‌ی اقتصادی - نسل اول..... ۱۷۲

شکل ۴-۷ مدل ریگرسیون برای سنجش و آزمون معنی‌داری فرضیه ۲-ب..... ۱۷۵

شکل ۴-۸ نمودار بررسی تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی برون‌گروهی بر توسعه‌ی اقتصادی - نسل دوم..... ۱۷۶

فهرست جدول‌ها

عنوان

صفحه

جدول ۱-۱ تعاریف سرمایه‌ی اجتماعی توسط صاحب‌نظران مختلف.....	۲۴
جدول ۱-۲ رابطه‌ی ابعاد مختلف سرمایه‌ی اجتماعی.....	۱۰۲
جدول ۱-۳ شاخص و سطوح سرمایه‌ی اجتماعی کریشنا و آپهوف.....	۱۲۰
جدول ۲-۳ ابعاد سرمایه‌ی اجتماعی برای سنجش.....	۱۲۳
جدول ۳-۳ ابعاد سرمایه‌ی اجتماعی برون‌گروهی.....	۱۲۷
جدول ۴-۳ شاخص‌های کلی برازش برای مدل سرمایه‌ی اجتماعی برون‌گروهی.....	۱۳۱
جدول ۵-۳ بررسی تفاوت معنادار مقادیر برآورد شده‌ی پارامترهای مختلف با صفر برای مدل سرمایه‌ی اجتماعی برون‌گروهی.....	۱۳۳
جدول ۶-۳ ابعاد سرمایه‌ی اجتماعی درون‌گروهی.....	۱۳۴
جدول ۷-۳ شاخص‌های کلی برازش برای مدل سرمایه‌ی اجتماعی درون‌گروهی.....	۱۳۸
جدول ۸-۳ بررسی تفاوت معنادار مقادیر برآورد شده‌ی پارامترهای مختلف برای مدل سرمایه‌ی اجتماعی درون‌گروهی.....	۱۴۰
جدول ۹-۳ شاخص‌های کلی برازش برای مدل نسل اول توسعه‌ی اقتصادی.....	۱۴۷
جدول ۱۰-۳ بررسی تفاوت معنادار مقادیر برآورد شده‌ی پارامترهای مختلف برای مدل توسعه‌ی اقتصادی نسل اول.....	۱۴۸
جدول ۱۱-۳ شاخص‌های کلی برازش برای مدل نسل دوم توسعه‌ی اقتصادی.....	۱۵۰
جدول ۱۲-۳ بررسی تفاوت معنی‌دار مقادیر برآورد شده‌ی پارامترهای مختلف برای مدل توسعه‌ی اقتصادی نسل دوم.....	۱۵۲
جدول ۱-۴ مقادیر سرمایه‌ی اجتماعی درون‌گروهی و توسعه‌ی اقتصادی نسل اول استان‌های مختلف.....	۱۵۶
جدول ۲-۴ شاخص‌های کلی برازش برای بررسی تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی درون‌گروهی بر توسعه‌ی اقتصادی نسل اول.....	۱۵۹
جدول ۳-۴ مقادیر توسعه‌ی اقتصادی نسل دوم استان‌های مختلف.....	۱۶۲
جدول ۴-۴ شاخص‌های کلی برازش برای بررسی تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی درون‌گروهی بر توسعه‌ی اقتصادی نسل دوم.....	۱۶۵
جدول ۵-۴ شاخص‌های کلی برازش برای بررسی تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی برون‌گروهی بر توسعه‌ی اقتصادی نسل اول.....	۱۷۳

عنوان

صفحه

- جدول ۴-۶ شاخص‌های کلی برازش برای بررسی تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی برون‌گروهی بر توسعه‌ی اقتصادی -
نسل دوم.....۱۷۷
- جدول ۴-۷ همبستگی میان شاخص تعداد نهادهای مدنی (X17) به نسبت جمعیت با توسعه‌ی اقتصادی -
نسل اول و دوم.....۱۷۸
- جدول ۴-۸ مقادیر سرمایه‌ی اجتماعی برون‌گروهی استان‌های مختلف.....۱۸۰

۱- فصل اول

۱-۱- مقدمه

پس از جنگ جهانی دوم، یکی از پیچیده‌ترین، مهم‌ترین و تأثیرگذارترین مفاهیمی که در حوزه‌ی علوم اجتماعی و عمل سیاسی مطرح گردید، مفهوم «توسعه» بود. این مفهوم که هم مسائل داخلی کشورها و هم روابط بین‌الملل و جهانی را به شدت تحت تأثیر خود قرار داد، از یک سو، از طرف بسیاری از نظریه‌پردازان در رشته‌های مختلفی چون جامعه‌شناسی، اقتصاد، علوم سیاسی و... ماهیت، علل، راهبردها، سیاست‌های اجرایی و کیفیت آن مورد تدقیق و تجزیه و تحلیل قرار گرفت و از سوی دیگر، سیاست‌مداران چه در داخل مرزهای ملی و چه در سطح فراملی نیز برای دستیابی به قدرت و اجرای برنامه‌های خویش یا کاهش فقر و نابرابری در جهان، آن را مورد توجه ویژه قرار دادند.

اکنون، بیش از ۶۰ سال از طرح مفاهیم مربوط به توسعه و برنامه‌ریزی در جهت دستیابی به آن می‌گذرد، با گذشت این زمان نسبتاً طولانی نه تنها از اهمیت آن کاسته نشده است، بلکه پرسش‌ها و ابهام‌های نظری و عملی فراوانی در مورد آن، هنوز وجود دارد، یا تحت تأثیر شرایط جدید، مسائل تازه‌ای ایجاد و مطرح گردیده است که نیاز به پژوهش، بحث و بررسی جدی و میان رشته‌ای دارند. علاوه بر این، توسعه، همچنان به عنوان یکی از آرمان‌های اساسی احزاب و گروه‌های سیاسی، دولت‌ها و حتی ملت‌ها به شمار آمده، جایگاه ویژه خود را حفظ کرده است و و علیرغم کهنه شدن و حتی تکرار حدیث توسعه، بحث در مورد آن حلاوت خاص خود را همچنان حفظ کرده است.

البته این بدان معنا نیست که مفهوم توسعه، روندی ثابت و یکنواخت داشته است، بلکه مروری اجمالی بر فرآیند طرح این مفهوم، نشان‌گر این واقعیت است که همواره دانشمندان متخصص توسعه با چالش‌های نظری و

عملی فراوانی دست به گریبان بوده‌اند. در نتیجه تغییرات و تحولات عمده‌ای چه در حوزه‌ی مباحث نظری و چه در حوزه عمل و استراتژی‌های توسعه، به چشم می‌خورد. در طول سالیان گذشته بسیار اتفاق افتاده است که تعریف آن دست‌خوش دگرگونی گشته است، گاهی این دگرگونی در شاخص‌های آن به وقوع پیوسته است و در مواردی، تغییر در برنامه‌های اجرایی و عملی برای رسیدن به توسعه روی داده است.

در حقیقت، نظریه پردازان حوزه‌ی توسعه، انسان‌دوستان و سیاست‌مداران، همواره در پی شناسایی حلقه‌ی مفقوده‌ای بوده‌اند که با استفاده از آن مراحل دست‌یابی و رسیدن به توسعه را طی کنند و در این مسیر، استراتژی‌های مختلفی را تجربه کرده‌اند. ابتدا فرض بر این بود که با داشتن سرمایه‌ی مادی و فیزیکی به مثابه منبع اصلی تولید، توسعه امکان‌پذیر می‌گردد. اما این تصور چندی نپایید و اتفاقاً، کشورهایی به توسعه رسیدند که تا حدودی از این سرمایه بی‌بهره بودند. در مقابل کشورهایی دیگر دیده می‌شدند که از سرمایه‌ی مادی برخوردار بودند، ولی از دست‌یابی به توسعه ناکام ماندند. در مرحله‌ی بعد، این تصور رواج یافت که داشتن سرمایه‌ی انسانی، امکان توسعه را برای کشورها فراهم می‌آورد، اما چندی نگذشت که این تصور نیز به توسعه‌ی کشورهای مختلف نیانجامید. در سال‌های اخیر، بحث در مورد نوعی دیگر از سرمایه، تحت عنوان سرمایه‌ی اجتماعی در میان آمده است و صاحب‌نظران بر این باورند که می‌توان از آن به مثابه «حلقه‌ی مفقوده»ی توسعه یاد کرد.

امروزه این نکته بدیهی است که برای رسیدن به توسعه و تدوین چارچوب مفهومی آن، نمی‌توان و نباید نگرشی یک‌جانبه و تک‌علتی را اتخاذ کرد. اگر پذیرفته شود که برای رسیدن به توسعه، حداقل از یک سو به منابع تولید و از سوی دیگر به مدیریت آن منابع نیاز است، آنگاه روشن خواهد شد که هیچ‌کدام از این دو به تنهایی نمی‌توانند، راه رسیدن به توسعه را هموار و آماده سازند. در این میان، سرمایه‌ی اجتماعی، که در سال‌های اخیر مورد توجه محافل علمی و سیاسی قرار گرفته است، نیز، نقش مهمی را ایفا می‌کند.

مروری بر نظریات و اندیشه‌های اولیه‌ی توسعه نشان می‌دهد که صاحب‌نظران موضوع و مفهوم توسعه _ قبل از بذل توجه به سرمایه‌ی اجتماعی _ از میزان تأثیرگذاری کنش انسانی و روابط اجتماعی و به عبارت بهتر انسان در شبکه‌ی روابط اجتماعی غافل بودند و بیشتر به عوامل و منابع فیزیکی و ساختاری توسعه، همچون سرمایه‌ی مادی و انسانی و منابع نهادی، توجه داشته‌اند. این در حالی است که برای استفاده از منابع و اجرای الزامات و هنجارهای نهادها، به انسان و کنش انسانی و تعامل اجتماعی نیاز احساس می‌شود، لذا این باور تقویت شد که در فرآیند توسعه، این مهم باید مورد توجه قرار گیرد. این که انسان در جامعه، چگونه، با چه کسانی، تحت چه شرایطی و متأثر از چه ارزش‌ها و هنجارهایی به کنش متقابل دست می‌زند و چگونه از منابع مختلف برای رسیدن به هدف خود بهره می‌گیرد و تا چه اندازه‌ای به اهداف و نتایج مورد نظر خویش دست می‌یابد یا نتایج ناخواسته بر وی

تحلیل می‌گردد، در نظریات و برنامه‌های معطوف به توسعه مورد غفلت واقع گردیده بود. در واقع با مطرح شدن مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی، این پرسش‌ها نیز در زمینه‌ی توسعه از اهمیت برخوردار خواهند شد.

در ایران، همانند اکثریت قریب به اتفاق کشورهای جهان، بخش عمده‌ای از تحقیقات در حوزه علوم اجتماعی و مباحث عملی در حوزه سیاست، معطوف به «توسعه» و تحت تأثیر آن بوده است و همچنان، سخن گفتن در باره‌ی این مفهوم و موضوع، در صدر مباحث مطرح در کشور قرار دارد و قدر می‌بیند. بعد از انقلاب مشروطه یکی از مهم‌ترین آرمان‌های سیاسی سیاست‌مداران و احزاب، ترسیم برنامه‌ی اجرایی و تدوین استراتژی قابل اعتماد برای رسیدن به توسعه بوده است. همچنین بسیاری از روشنفکران و تحصیل کرده‌های رشته‌های مختلف علوم اجتماعی و انسانی نیز تحقیقات خود را بر این امر متمرکز کردند که توسعه چیست و چگونه می‌توان به آن رسید، چرا برخی از جوامع سریع‌تر و بهتر و با صرف هزینه‌های کمتر مادی و اجتماعی، به توسعه نائل آمده‌اند؟

مفهوم توسعه، همچون دیگر مفاهیم و موضوع‌های مطرح در علوم اجتماعی از پیچیدگی خاصی برخوردار است و یکی از علل این پیچیدگی را میتوان به «چند بعدی» و «چند لایه» بودن آن ارجاع داد، به گونه‌ای که هر گاه سخن از توسعه به میان می‌آید، بلافاصله این پرسش به ذهن متبادر می‌شود که منظور از آن کدام جنبه و کدام بعد و لایه از آن مد نظر است. بدیهی است پژوهش در مورد جنبه‌های مختلف توسعه، کاری است بسی گسترده و زمان‌بر که در جای خود بسیار جالب و مفید است، اما در این پژوهش صرفاً رابطه‌ی توسعه‌ی اقتصادی و سرمایه‌ی اجتماعی در ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد.

سرمایه‌ی اجتماعی که در سال‌های اخیر رواج بسیاری یافته است و به طور گسترده‌ای مورد توجه عالمان علوم اجتماعی قرار گرفته است، از جمله مفاهیمی به شمار می‌آید که در همه جا، از جمله در اسناد و مدارک حکومتی برای برنامه‌ریزی، در آموزش و پرورش، در زمینه جرائم و انحرافات اجتماعی، در مسائل مربوط به دموکراسی و جامعه‌ی مدنی، توسعه و ... به چشم می‌خورد. عمومیت یافتن این مفهوم در میان عالمان علوم اجتماعی، هرگز به این معنی نیست که موضوع شفاف و ساده‌ای مطرح گشته است، بلکه باید گفت که این مفهوم نیز همچون توسعه و بسیاری از مفاهیم مطرح در علوم اجتماعی، دشواری‌های نظری و عملی خاص خود را دارد و علیرغم تحقیقات وسیعی که در این زمینه انجام پذیرفته است، هنوز تعریف و شاخص‌های معین و مشخصی از آن وجود ندارد و حتی در مورد نقش آن نیز در توسعه تناقضات و ابهاماتی ایجاد شده است.

با وجود این، گسترش روزافزون این مفهوم و ارتباط آن با موضوع توسعه و این برداشت از سرمایه‌ی اجتماعی که شبکه‌های اجتماعی مبتنی بر اعتماد و ارزش‌های مشترک، به خودی خود، ثروت به شمار می‌آیند، این

امیدواری را ایجاد کرده است که شاید با استفاده از آن بتوان بر معضل دیرین توسعه‌نیافتگی چیره آمد، لذا تحقیقات عدیده‌ای در زمینه رابطه‌ی توسعه و سرمایه‌ی اجتماعی انجام گرفته است که عمده‌ی آنها تأثیر و تأثر و رابطه‌ی مثبت آن دو را به آزمون کشیده‌اند، اما در این میان برخی نیز بر این اعتقادند که میان سرمایه‌ی اجتماعی و توسعه، می‌تواند رابطه‌ی منفی نیز وجود داشته باشد و از این دیدگاه به پژوهش پرداخته‌اند.

هدف این پژوهش نیز چیزی جز بررسی این رابطه در استان‌های مختلف ایران نیست و می‌خواهد بررسی کند که میان جنبه‌های مختلف سرمایه‌ی اجتماعی و توسعه‌ی اقتصادی چه نوع رابطه‌ای وجود دارد، آیا اختلاف در توسعه‌ی اقتصادی مختلف را می‌توان به وسیله‌ی تفاوت در سرمایه‌ی اجتماعی توضیح داد و در این راستا آیا می‌توان گره از کار فروبسته‌ی توسعه گشود؟

۱-۲- بیان مسئله

مواجهه و رویارویی ما با جنبه‌های مختلف فرهنگ و تمدن غرب، سرآغاز طرح مباحث و پرسش‌های عدیده‌ای بوده است. یکی از این مباحث و پرسش‌ها که در یک صد سال گذشته ذهن بسیاری از اندیشمندان و دست‌اندرکاران کشور را به خود مشغول داشته است، بحث در مورد توسعه و راههای رسیدن به آن بوده است. ابتدا، اقتصاددانان کلاسیک تنها سه عامل نیروی کار، زمین و سرمایه‌ی مادی را به عنوان عامل اصلی تولید معرفی می‌کردند و بر این باور بودند که اگر کشوری از این عوامل، بهره داشته باشد، می‌تواند به تولید بیشتری برسد و در نتیجه به توسعه نایل آید. اما در دهه ۱۹۶۰ میلادی مفهوم جدیدی در ادبیات توسعه وارد شد. برخی دیگر از اقتصاددانان مفهوم سرمایه‌ی انسانی، یعنی میزان مهارت‌ها و آموزش‌های جذب شده توسط نیروی کار را وارد تحلیل‌های اقتصادی کردند. در سال‌های اخیر بوردیو، کلمن، پاتنام، فوکویاما و ... مفهومی به نام سرمایه اجتماعی را در تحلیل‌های اقتصادی مطرح ساخته‌اند که نشان از تأثیر عوامل اجتماعی و فرهنگی بر عملکرد اقتصادی دارد. به طور خلاصه، سرمایه اجتماعی عبارت است از هنجارها و شبکه‌های روابط جمعی انسجام‌بخش میان انسان‌ها و سازمان‌ها که همکاری و توانایی اکتساب منافع جمعی را تسهیل می‌کند. صاحب‌نظران بر این باورند سرمایه اجتماعی گونه‌های مختلفی دارد که بایستی میان آنها و کارکردی که در جامعه از خود بروز می‌دهند، تمایز قایل شد. یکی از آنها سرمایه اجتماعی درون‌گروهی و دیگری سرمایه اجتماعی برون‌گروهی است.

امروزه بسیاری از عالمان علوم اجتماعی که در زمینه‌ی توسعه، تحقیقاتی را انجام داده‌اند، اعتقاد دارند که در غیاب سرمایه اجتماعی، سایر سرمایه‌ها، اثربخشی خود را تا حد زیادی از دست می‌دهند و پیمودن راههای توسعه و تکامل فرهنگی و اقتصادی ناهموار و دشوار می‌شود. در سال‌های اخیر، در محافل علمی این طرز تفکر رواج

یافته است که فرآیند رشد و توسعه اقتصادی صرفاً با پس‌انداز کردن پول، سرمایه‌گذاری مادی، گردآوری ماشین‌آلات و صنایع بیشتر و حتی افزایش مهارت‌ها و آموزش، به‌دست نمی‌آید بلکه با بهبود کیفیت دستگاه اداری، حفاظت همه‌جانبه از قانون، کاهش فساد سیاسی، افزایش اعتماد، همکاری و همیاری میان مردم و گروه‌های مختلف و مشارکت در امور عام و جمعی و به عبارت دیگر سرمایه‌ی اجتماعی، این مهم حاصل می‌گردد.

اگرچه بخش عمده‌ای از تحقیقات موجود در زمینه‌ی نقش سرمایه‌ی اجتماعی در توسعه‌ی اقتصادی مؤید این امر است که این عامل، پیامدهای مثبت در حوزه‌ها و سطوح گوناگون توسعه دارد، اما برخی از پژوهش‌ها نیز حکایت از این امر دارد که بعضی از ابعاد و بخش‌های سرمایه‌ی اجتماعی تأثیر منفی بر توسعه‌ی اقتصادی دارند. بدین گونه که سرمایه‌ی اجتماعی نه تنها منجر به کاهش نابرابری و بهره‌مندی بهینه از منابع نمی‌شود بلکه می‌تواند به افزایش نابرابری و حتی کاهش بهره‌وری منجر گردد. برای نمونه می‌توان به سرمایه‌ی اجتماعی درون‌گروهی اشاره کرد که اگر در جامعه‌ای نسبت به سرمایه‌ی اجتماعی برون‌گروهی، بیشتر باشد، این امر موجب می‌شود که فرآیند توسعه با مشکلاتی روبه‌رو شود. در واقع سرمایه‌ی اجتماعی درون‌گروهی به گونه‌ای عمل می‌کند که منفعی که در یک گروه به علت سرمایه‌ی اجتماعی به دست می‌آید، در انحصار اعضای گروه و نه تمامی جامعه، قرار گیرد. لذا این فرض وجود دارد که این جنبه از سرمایه‌ی اجتماعی می‌تواند به عنوان مانعی برای توسعه و رشد عمل کند، زیرا در خدمت منافع گروهی خاص قرار می‌گیرد و موجب ایجاد تبعیض میان اعضا و گروه‌های مختلف جامعه می‌شود. همچنین تصور می‌شود که شدت روابط درون‌گروهی می‌تواند از آزادی‌ها، ابتکارات و انگیزه‌های پیشرفت برای اعضای گروه ممانعت به عمل آورد. در مقابل، از آنجایی که سرمایه‌ی اجتماعی برون‌گروهی، به اعتماد میان گروه‌های مختلف جامعه اشاره دارد، با فراهم کردن فضای اعتماد، همکاری میان گروه‌های مختلف را امکان‌پذیر می‌سازد و موجب می‌شود منافع همگانی مانند امنیت اجتماعی و کاهش هزینه‌های مبادله و نظارت پدید آید و احتمالاً از این جهت برای توسعه مفید باشد. اخیراً برخی از پژوهشگران به این نتیجه رسیده‌اند که در برخی از شرایط، حتی این نوع از سرمایه‌ی اجتماعی نیز می‌تواند به گونه‌ای عمل کند که در فرآیند توسعه، نتیجه‌ی مثبتی به همراه نداشته باشد و یا حتی بر آن، تأثیر منفی داشته باشد.

در این پژوهش، در وهله‌ی اول تلاش شده است تا در سطح کلی و ملی به بررسی وضعیت سرمایه‌ی اجتماعی و رابطه‌ی آن با توسعه‌ی اقتصادی در ایران پرداخته شود، سپس گونه‌های مختلف سرمایه‌ی اجتماعی و شاخص‌های توسعه‌ی اقتصادی برای هر استان به طور جداگانه محاسبه می‌شود، آن‌گاه این پرسش در میان خواهد آمد که میان گونه‌های مختلف سرمایه‌ی اجتماعی و توسعه چه نوع رابطه‌ای وجود دارد، آیا در یک

مقیاس کلی، سرمایه‌ی اجتماعی، نقش مثبتی در توسعه‌ی اقتصادی ایفا می‌کند یا پیامدهای منفی برای توسعه‌ی اقتصادی دارد؟ در سطح استانها نیز همین پرسش پیگیری شده است.

به طور خلاصه، می‌توان گفت که پرسش محوری این پژوهش عبارت از این است که آیا بین سرمایه‌ی اجتماعی و گونه‌های مختلف آن در سطح کشور و در سطح استان‌های مختلف از یک سو و میزان توسعه‌ی اقتصادی از سوی دیگر رابطه‌ی معناداری وجود دارد یا نه؟ و آیا این رابطه مثبت است یا منفی؟

۱-۳- اهمیت موضوع

در صد سال گذشته، دغدغه‌ی رهایی از وضعیت نابسامان توسعه‌نیافتگی و رسیدن به توسعه، لحظه‌ای ذهن دلسوزان، روشنفکران، اندیشمندان و محافل دانشگاهی و علمی جامعه را رها نکرده است، به گونه‌ای که این امر به یکی از مهم‌ترین اهداف و آرمان‌های جامعه در حوزه‌های سیاسی و اقتصادی تبدیل شده است، اما علیرغم این مقدار از توجه و دغدغه، مراجعه به آمار و واقعیت‌ها نشان می‌دهد که در کشور ما هنوز فاصله‌ی بسیاری با آنچه که توسعه نامیده می‌شود، وجود دارد. حال سؤال اینجاست که چرا تحقق اهداف توسعه‌ای در سطح کشور با مشکلات و موانع عدیده‌ای مواجه است؟

ادبیات سرمایه‌ی اجتماعی که در سال‌های اخیر به طور گسترده‌ای در کانون تحقیقات علوم اجتماعی قرار گرفته است، در واقع در پی پاسخ به این پرسش است و این امیدواری وجود دارد که شاید بحث در مورد آن و استفاده از آن در فرآیند توسعه بتواند گره از کار فروبسته‌ی ما بگشاید. امروزه بسیاری بر این باورند که در جریان توسعه‌ی یک کشور، در کنار انواع سرمایه‌های طبیعی و انسانی، سرمایه‌ی اجتماعی را بایستی هم به عنوان برون‌داد و هم درون‌داد توسعه لحاظ کرد. به نظر اقتصاددانان توسعه و جامعه‌شناسان، مهم‌ترین نقش سرمایه‌ی اجتماعی در توسعه، نقشی است که این سرمایه در کاهش هزینه‌های مبادله و افزایش فعالیت‌های جمعی و گروهی دارد، به این معنی که با افزایش سرمایه‌ی اجتماعی از یک سو از میزان هزینه‌های معاملاتی کاسته می‌شود و در نتیجه کنش‌های اجتماعی و اقتصادی رونق بیشتری می‌گیرند و از سوی دیگر مردم یک جامعه در قالب نهادها و سازمان‌های داوطلبانه در جهت تحقق اهداف جمعی با یکدیگر همکاری می‌کنند.

با توجه به نکات فوق و اهمیت سرمایه‌ی اجتماعی و نقش بی‌بدیل آن در توسعه‌ی اقتصادی است که دولت‌مردان و برنامه‌ریزان اقتصادی و اجتماعی در ایران نیز به اهمیت سرمایه‌ی اجتماعی واقف شده‌اند، به گونه‌ای که ماده ۹۸ قانون برنامه‌ی چهارم توسعه، دولت را مکلف کرده، به منظور حفظ و ارتقای سرمایه‌ی اجتماعی، ارتقای رضایت‌مندی عمومی و گسترش نهادهای مدنی، طی سال اول برنامه‌ی چهارم، ضمن سنجش

سرمایه‌ی اجتماعی و ارائه‌ی گزارش‌های سالانه، سازوکارهایی را به منظور بهبود و افزایش سرمایه‌ی اجتماعی به اجرا درآورد.

از سوی دیگر، اهمیت انجام این پژوهش به این دلیل است که در این حوزه، فقر اطلاعاتی وجود دارد لذا ضرورت انجام پژوهش‌های مختلف و بررسی زوایای پیدا و پنهان سرمایه‌ی اجتماعی و ارتباط آن با پدیده‌های مختلف اجتماعی از جمله توسعه، بسیار احساس می‌شود. این پژوهش برای اولین بار است که در ایران به این شکل و با استفاده از مدل معادلات ساختاری و در سطوح مختلف توسعه انجام می‌پذیرد، لذا امید است برخی از زوایای پنهان موضوع مورد کند و کاو قرار گیرد و به پیشرفت و تسریع فرآیند توسعه در ایران مدد رساند.

در حقیقت انتظار می‌رود که انجام پژوهش در مورد سرمایه‌ی اجتماعی از یک سو به گسترش نظری در این حوزه کمک رساند و ادبیات نظری و مفهومی آن را غنی نماید و از سوی دیگر به صورت کاربردی و انضمامی، منجر به حل مشکلات و پاسخ به پرسش‌هایی در مورد توسعه‌ی اقتصادی، انحرافات اجتماعی و تسهیل کنش‌های اجتماعی گردد.

۱-۴- اهداف تحقیق

۱. وضعیت سرمایه‌ی اجتماعی در کل کشور و توزیع آن در سطح استانها به تفکیک چگونه است؟
۲. وضعیت توسعه‌ی اقتصادی در سطح کشور و توزیع آن در سطح استانها به تفکیک چگونه است؟
۳. آیا بین سرمایه‌ی اجتماعی درون‌گروهی و توسعه‌ی اقتصادی در سطح استانها رابطه‌ی معنادار وجود دارد؟
۴. آیا بین سرمایه‌ی اجتماعی برون‌گروهی و توسعه‌ی اقتصادی در سطح استانها رابطه‌ی معنادار وجود دارد؟

۱-۵- فرضیه‌ها (در صورت لزوم) یا سوال‌های تحقیق

۱. وضعیت سرمایه‌ی اجتماعی در کل کشور و توزیع آن در سطح استانها به تفکیک چگونه است؟
۲. وضعیت توسعه‌ی اقتصادی در سطح کشور و توزیع آن در سطح استانها به تفکیک چگونه است؟
۳. آیا بین سرمایه‌ی اجتماعی درون‌گروهی و توسعه‌ی اقتصادی در سطح استانها رابطه‌ی معنادار وجود دارد؟
۴. آیا بین سرمایه‌ی اجتماعی برون‌گروهی و توسعه‌ی اقتصادی در سطح استانها رابطه‌ی معنادار وجود دارد؟

۱-۶- تعریف مفاهیم

۱-۶-۱- توسعه‌ی اقتصادی (تعاریف و نظریات)

اکنون به طور مفصل به تعریف و تبیین مبانی نظری «توسعه»^۱ پرداخته می‌شود. توسعه ابعاد مختلف و متفاوتی دارد. از یک سو مفهومی است که سرنوشتی مشابه سرمایه‌ی اجتماعی و دیگر مفاهیم علوم اجتماعی دارد. سالها به عنوان مهم‌ترین موضوع و مسئله، در رشته‌های مختلف علمی از اقتصاد گرفته تا جامعه‌شناسی و علم سیاست، مورد بحث قرار گرفته و از آن تعاریف متفاوتی ارائه شده است. از سوی دیگر این مفهوم به مثابه یک «ارزش»^۲ و آرمان ملی در میان مردم و مسئولین مطرح و این باعث شده است که توسعه به مفهومی سهل و ممتنع تبدیل گردد. عطف توجه به مفهوم توسعه در شصت سال گذشته در جهان به گونه‌ای بوده است که می‌توان ادعا کرد هیچ مفهوم دیگری به اندازه‌ی آن در میان مردم و نخبگان تکرار و طرح نشده و مورد توجه قرار نگرفته است.

«توسعه‌ی اقتصادی»^۳ و مباحث مربوط به آن نسبتاً جدید است. در دهه‌ی ۱۹۵۰ میلادی به سادگی هر چه تمامتر، امکان تقسیم کشورها به دو دسته‌ی فقیر و غنی وجود داشت. در یک سو اکثریت قریب به اتفاق کشورهای اروپایی، کانادا و آمریکا و در دیگر سو کشورهای آمریکای لاتین، آسیا و آفریقا قرار داشتند. کشورهای ثروتمند بر مناسبات جهانی، تأثیر بیشتری داشتند و از منابع جهان بهره‌ی بیشتری می‌بردند، در مقابل کشورهای فقیر، بیش از آنکه بر مناسبات جهانی مؤثر باشند، از آن تأثیر می‌پذیرفتند و سرنوشت‌شان تابع تصمیماتی بود که در کشورهای غنی اتخاذ می‌شد و علاوه بر این دارای فقر مزمن^۴ هستند.

در واقع پس از جنگ جهانی دوم است که در فضای جهانی و در روابط میان کشورها، توجه به موضوع توسعه شکل جدی‌تری به خود می‌گیرد و نوعی عزم و اراده‌ی بین‌المللی برای گسترش آن در سراسر جهان، ایجاد می‌شود. به عبارت دیگر چراغ توسعه در سالهای پس از جنگ جهانی دوم افروخته می‌شود (زاکس، ۱۳۷۷: ۵) در این سالها، اعمار امپراتوری‌ها و کشورهای مستعمره، به سرعت و یکی پس از دیگری به استقلال می‌رسند و تلاش برای پیشرفت ملی و جبران عقب‌ماندگی‌های گذشته به اصلی‌ترین هدف آنها تبدیل می‌گردد. همچنین اندیشه‌ی برقراری صلح و امنیت در جهان و ضرورت پیش‌گیری از جنگ، شکل‌گیری سازمان ملل متحد

¹ Development

² Value

³ Economic Development

⁴ Chronic poverty